افزایش بودجه شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام

خاتمی رئیس جمهور وکروبی رئیس مجلس در اعتراض به مصوبه جلسه را ترک کردند.

در روزهای پایانی سال گذشته، مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه خود که با حضور اعضا و هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع، محمد خاتمی رئیس جمهور و کروبی رئیس مجلس برگزار شد، به مسئله مورد اختلاف شورای نگهبان و مجلس در مورد بودجه شورای نگهبان پرداخت. مجمع تشخیص مصلحت در این جلسه بودجه شورای نگهبان را شش میلیارد تومان افزایش داد. این عمل باعث اعتراض شدید خاتمی و کروبی شد و آن‌ها به اعتراض جلسه را ترک کردند. در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام و در جریان بررسی بودجه شورای نگهبان، هاشمی رفسنجانی به دفاع از افزایش بودجه شورای نگهبان پرداخت و گفت: شورای نگهبان برنامه‌هایی دارد که نمی‌توان آن‌ها را رها کرد.

مجمع تشخیص مصلحت در همین جلسه بودجه کمیته امداد زیر نظر حبیب‌الله عسگراولادی را هم افزایش داد.

عمل مجمع تشخیص مصلحت نظام با اعتراض شدید فراکسیون اصلاح‌طلب مجلس روبرو شد و آن‌ها این اقدام را نوعی بدعت‌گذاری عنوان کردند.

عبدالله رمضان‌زاده سخنگوی دولت گفت: «دولت اساسا با اقدام مجمع تشخیص مصلحت در افزایش بودجه شورای نگهبان مخالف بوده است. بر اساس نظرات صریح کارشناسی سازمان برنامه و بودجه، میزان بودجه‌ای که به نظر دولت در این رابطه ضروری بوده در لایحه پیشنهادی دولت آمده است».

وی در خصوص علت ترک جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط رئیس جمهوری گفت: این مسئله چون در لایحه بودجه و نیز در قانون بودجه مصوب مجلس نیامده بود، اساسا نمی‌توانست موضوع بحث مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد به همین دلیل رئیس جمهوری جلسه مجمع را ترک کرد. ابطحی معاون پارلمانی رئیس جمهوری گفت بحث رقم بودجه، موضوعی فرعی است. اصل مسئله بدعت‌گذاری است. دولت با افزایش بودجه شورای نگهبان با این شیوه مخالف است.

محسن آرمین نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت برای افزایش بودجه شورای نگهبان را نفی صلاحیت و دورزدن مجلس شورای اسلامی و نقض قانون اساسی توصیف کرد. نماینده تهران این اقدام مجمع را «بی‌سابقه» خواند وگفت این مصوبه، فاتحه‌ای برای مجلس شورای اسلامی بود. وی گفت: شورای نگهبان و کمیته امداد در اقدامی بی‌سابقه اعتراض خود به بودجه را به طور مستقیم به مجمع تشخیص مصلحت داده و مجلس شورای اسلامی را دور زده‌اند. او گفت: متاسفانه عرصه قانون‌گذاری کشور در این چندساله با مشکلات و موانع جدی روبرو بوده است. حیطه اختیارات و صلاحیت‌های مجلس با تشبثات شبه‌قانونی روز به روز محدودتر شده است. این وضعیت به گونه‌ای شده که اکنون به جرات می‌توانیم بگوییم محدودیتی که مجلس دوره ششم با آن مواجه شده در هیچ دوره پس از انقلاب سابقه نداشته است. طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس عموما یا در رفت و برگشت شورای نگهبان و مجلس متوقف می‌شود، یا در مجمع تشخیص مصلحت بایگانی شده است. و به این ترتیب ما به سمتی می‌رویم که مجمع تشخیص مصلحت به مجلس موسسان یعنی یک مرجع قانون‌گذاری فوق مجلس شورای اسلامی تبدیل می‌شود. این کار یعنی بی‌خاصیت کردن و از کارانداختن مجلس.

پس از آن ۱۶۲ نفر از نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار عدم ابلاغ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت به دولت شدند. آن‌ها در نامه خود خاطرنشان کردند که از آنجا که طبق اصول ۵۷ و ۵۸ قانون اساسی هر گونه قانون‌گذاری صرفا در صلاحیت و انحصار مجلس شورای اسلامی است. مجلس از ابلاغ این بخش از مصوبه تشخیص مصلحت که غیرقانونی است، خودداری کند.

پس از آن کمیته‌ای متشکل از تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله مجید انصاری، محتشمی‌پور، بهزاد نبوی و صفایی فراهانی با هدف حل اختلاف میان دولت و مجلس با مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شد. در مورد نتیجه نهایی این اختلاف مجید انصاری اعلام کرد: قرار بر این شد که مصوبه مجلس به دولت اعلام گردد و کمبود بودجه شورای نگهبان از دولت از ردیف‌های متمرکزی که در اختیار دارد، تامین کند.

او گفت: لازم به ذکر است ایراد اصلی رئیس جمهور و رئیس مجلس که منجر به ترک جلسه مجمع تشخیص مصلحت شده بود، تصویب بودجه برای شورای نگهبان توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

با توجه به توافق انجام شده بند فوق از قانون بودجه سال ۸۲ که به دولت ابلاغ شد. حذف شده و رئیس جمهور پذیرفته بودجه‌ای را که برای شورای نگهبان مشخص شد تامین نماید.

بهزاد نبوی: شرکت‌نکردن مردم در انتخابات از مشروعیت‌نظام می‌کاهد

بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سئوالی که آیا انتخابات مجلس هفتم سرنوشت انتخابات شوراها را پیدا می‌کند یا خیر؟ خاطرنشان کرد: ممکن است این سرنوشت را پیداکند، اما اگر مردم در انتخابات مجلس هفتم مانند انتخابات شوراها عمل کنند، خودشان ضرر می‌کنند.

نظام همین الان هم از شرکت‌نکردن مردم در انتخابات شوراها ضرر کرده است. اما اگر مردم فکر کنند که به این ترتیب سود می‌برند اشتباه می‌کنند، مردم در هر انتخاباتی که شرکت نکنند به مشروعیت نظام لطمه می‌خورد و مردم هم متضرر می‌شوند. اگر راه دیگری جز شرکت در انتخابات وجود داشت مردم آن راه می‌رفتند. اما اگر راه دیگری نباشد عملا خود را از حق تعیین سرنوشت محروم می‌کنند و این بدترین کار است که انسان با دست خود، خود را از حق تعیین سرنوشت محروم می‌کنند. بعد هم اقلیتی بیا ۲ درصد می‌گوید که مردم از ما اقبال کردند. حق هم دارد که بگوید، اما همین جاست که مردم متضرر می‌شوند.

وی ادامه داد: شرکت‌نکردن مرد در انتخابات از مشروعیت نظام می‌کاهد. اما باید دید دلیل نیامدن مردم پای صندوق رای چیست؟ در قبال آنچه از دست می‌دهند چه چیزی به دست می‌آورند؟ بالاخره وقتی مردم نماینده‌ای انتخاب می‌کنند، وظیفه خود را انجام داده‌اند. حال با این نماینده توان استفاده از امکانات را ندارد یا محدودیت‌هایی وجود دارد، اما در نهایت مردم از حق خود استفاده کرده‌اند. اگر این روش کسه مسردم انتخاب کسردند یک کسار استراتژیک باشد در کوتاه مدت به حاکمیت استبداد و در بلند مدت به حاکمیت بیگانه منتهی می‌شود. اما اگر تاکتیکی باشد و بخواهند به ما بگویند که اگر ما بد کار کنیم، آن‌ها کنار می‌کشند. عیبی ندارد.

نایب رییس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که آیا حرکت مردم تاکتیکی بوده یا خیر، گفت: من نمی‌دانم. نظرسنجی نکردم و جرات آن را ندارم، چون می‌ترسم بگویند که نظرسازی است.

رفسنجانی و تهدید به سرکوب بیشتر

هاشمی رفسنجانی در گفتگویی با روزنامه «جمهوری اسلامی» وضعیت کنونی کشور را همانند زمان عاشورا ارزیابی کرد و گفت که نام‌گذاری سال ۸۱ به عنوان «سال عزت و افتخار حسینی» نیز به این دلیل صورت گرفته است. وی گفت: الان یک واقعیتی در صحنه سیاسی اجتماعی زندگی ما هست و آن این که یک جریانی در کشور فعال است که می‌خواهد سکولاریزم و جدایی سیاست از دین را بر مردم تحمیل کند و ما را از حرکت حکومت دینی جدا کند. حالا این‌ها بعضی‌شان قبلا در انقلاب هم بودند، طرفدار حکومت دینی هم بودند ولی از این راه پشیمان شده‌اند. می‌بینند از این راه مثلا اشکالاتی پیش می‌آید، بعضی‌شان هم ذاتا همین‌گونه بودند و هیچ‌وقت با حکومت دینی در کشور ما موافق نبودند، حال یا ابراز می‌کردند یا جرات نمی‌کردند ابراز کنند و حالا موقعیتی شده که ابراز کنند. رفسنجانی در ادامه گفت: «در شرایطی که رهبری بررسی و احساس می‌کنند الان شرایطی است که باید مثل امام حسین (ع) قیام کرد و برخورد کرد و شمشیر کشید و یا به طرف شمشیری که دیگران کشیده‌اند، رفت و به جهاد پرداخت و مانند دوره امام حسن (ع) نیست که باید کوتاه بیایم، صبرکنیم و یک چیزهایی را از سرمان بگذرانیم. ایشان در این فضا سال عزت و افتخار حسینی اعلام کردند، یعنی وقتی که آمریکا تهدیدش را رو کرد و به طرف منطقه ما حرکت کرد و صریحا اعلام کرد که هدف او سرنگونی نظام اسلامی در ایران است و وقتی که می‌بینیم کسانی در داخل استقبال خطر رفتن وجود دارد. ما در شرایطی هستیم که باید خودمان را آماده کنیم برای این که ممکن است واقعا خطری برایمان پیش بیاید و باز ممکن است صحبت از شهادت باشد و صحبت از جنگ و فداکاری باشد. خوب گاهی با ستون پنجم آن دشمن در داخل مواجهیم، گاهی با خودش مواجهیم. البته تشخیص این با مدیریت نظام است که چه کار بکند. من فکر می‌کنم آن که ایشان سال عزت و افتخار حسینی اعلام کردند مفهومش این بود».

بحران آلودگی آب شرب سه میلیون ایرانی

قرار نبود کسی از ته و توی ماجرا سر در بیاورد. قرار بود مثل یک تانکر معمولی جاده را پشت سر بگذارد. از اتومبیل‌هایی که آن روز شسوم از تسانکر مسوصوف سبقت گرفتند نمی‌دانستند از کنار چه فاجعه بزرگی عبور کردند. ۵۰ هزار لیتر ام.تی.ای (ماده چایگزین سرب بنزین) دریاچه سنندج را آلوده کرد. حالا ممکن است روابط عمومی‌های مربوطه دست به کار شوند و جوابیه بفرستند که ۵۰ هزار لیتر نبوده و مثلا ۴۹ هزار لیتر بوده و... الخ! مهم این است که کارشناسان به صراحت گفته‌اند که حتی یک لیوان از این مایع سمی می‌تواند تمام دریاچه را آلوده کند. باور کنید قصد بزرگ‌نمایی این حادثه را نداریم. اما تا کی باید چوب ندانم‌کاری این و آن را بخوریم؟ چرا به آسانی اجازه می‌دهیم با جان مردم بازی شود؟ حرکت شتابان تانکر با این محموله خطرناک، آن هم بدون اسکورت پلیس و کنترل امنیت کامل جاده چه معنایی دارد؟ اصلا تانکر غیراستاندارد یک جداره چه تناسبی با محموله یادشده دارد؟ به هر حال اتفاق افتاده است و باید به فکر چاره بود. ۳ میلیون هم‌وطن به شدت در معرض خطر آلودگسی آب مصرفی خود هستند. هیات علمی رتبه‌ای به ریاست وزیر نیرو با دستور مستقیم رییس جمهور به سنندج اعزام شده است تا راه حلی برای این معضل حاد پیدا کند. باید صبر کرد و منتظر نشست ماند. خداکند مقصر اصلی آقای راننده نباشد! هر چقدر پنهان‌کاری کرده‌ایم بس است. این بارمردم را محرم بدانید و با اطلاع‌رسانی سریع و دقیق فاجعه انسانی را در نطفه خفه کنیم. کارشناسان اعتقاد دارند که ام.تی.بی.آی که دریاچه را فرا گرفته علاوه بر تاثیر مستقیم در درازمدت اختلالات ژنتیکی و جسمی فراوانی را پدید می‌آورد. شاید تخلیه ۲۲۰ میلیون مترمکعب آب دریاچه کار بسیار مشکلی باشد اما یادمان باشد جلوی ضرر را از هرکجا بگیریم. منفعت است و اما یک نکته مهم دیگر ام.تی.بی.آی در همه جای جهان غیرقابل مصرف اعلام شده اما هنوز در ایران استفاده می‌شود. از طرفی دیگر تانکر حمل محموله هم از استاندارد لازم بهره‌مند نبوده. بالاخره جاده‌ای ما هم ایمنی لازم را ندارند و حفاظ سد سنندج هم چندان شباهتی به حفاظ ندارد. بنابراین یادمان باشد اگر آقای راننده را مقصر شناختند برایش دل بسوزانیم!

از روزنامه اعتماد

دادن امتیاز نفت بی‌سر و صدا قانونی شد!

خبر به ظاهر، در میان خبرهای دیگر، طوری مخابره شده بود که بی‌اهمیت جلوه کند. اما خبر حکایت از نادیده‌گرفتن مبارزات درازمدت ایران در راه طرد و نفی نفوذ بیگانگان. نقض قانون ملی‌شدن صنایع نفت در سراسر کشور و مغایرت با قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد. متن خبر به این شرح بود:

«مجوز واگذاری حوزه‌های نفتی به شرکت‌های اکتشاف‌کننده در ایران صادر شد». اکبر ترکان مدیر عامل شرکت پتروپارس ضمن اعلام مطلب فوق افزود: به موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی مقرر است از ابتدای سال آینده ۱۳۸۲ جز در ۴ استان نفت‌خیز جنوبی، در سایر استان‌های کشور مجوز بهره‌برداری از میادین نفتی به صورت بیع متقابل به شرکت اکتشاف‌کننده واگذار شود.

وی تصریح کرد: مذاکره با پیمانکاران برای توسعه فعالیت در این بخش از ابتدای سال آینده آغاز خواهد شد.

با کم‌ترین دقت در ژرفای این خبر، انسان بی‌اختیار به یاد دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و قراردادهای معروف با «بارون ژولیوس رویتر» و «تاکس دارسی» می‌افتد. در هر دو مورد، اجازه اکتشاف از معادن، از جمله نفت، به آنان داده شد و قرار شد که در صورت یافتن نفت و بهره‌برداری از آن، سهمی به خزانه آن روز کشور که خزانه اختصاصی شاه بود، بپردازند. سال‌ها مبارزه و مجاهدت گروهی از دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای ملی ایران، سرانجام روز ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ باعث تصویب قانون ملی‌شدن نفت در سراسر کشور گردید. بدین سان، اصل «دادن «امتیاز» ملغی شد و ملت ایران اداره و بهره‌برداری از منابع و صنایع نفت خود را به دست گرفت.

در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی ارتش‌های شوروی، بریتانیا و آمریکا، مردم، گروهی از دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای ملی ایران، برابر درخواست امتیاز نفت از سوی آمریکا، بریتانیا و شوروی با چنگ و دندان مقاومت کردند. روس‌ها با حمایت بریتانیا برای کسب امتیاز نفت، حتی دست به ایجاد فرقه دموکرات و تجزیه آذربایجان زدند. اما، هشیاری و ایستادگی مردم ایران، گروهی از دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، این توطئه‌ها را خنثی کرد و استعمارگران با وجود اشغال ایران نتوانستند به گرفتن امتیاز نفت موفق شوند. اما، حالا در عصر بیداری کامل مردم ایران، مجلس به اصطلاح اصلاحات با یک نشست و برخاست ساده «امتیاز دادن» در صنایع نفت را قانونی می‌کند. این مصوبه به مفهوم دادن امتیاز نفت به بیگانگان یا شرکت‌هایی مانند پتروپارس است. شرکتی که در یکی از مستعمرات بریتانیا به ثبت رسیده و شاهد بودیم که اندکی پس از ثبت شرکت، چند میلیارد دلار قرارداد در اخیارش قرار داده شد. اما در اثر ایستادگی مردم ایران و افشاگری جراید، مدیر عامل اولیه آن مجبور شد که به پشت صحنه منتقل شود و به اصطلاح شرکت را دولتی کرده و مدیر عامل جدیدی بر آن بگذارند که با افتخار موضوع دادن امتیاز به شرکت‌های خارجی و داخلی را به آگاهی همگان برساند.

منبع: پارس پژواک

نامه سرگشاده امیرانتظام به مردم ایران

در بخشی از این نامه می‌خوانیم:

ملت ما در سال هزار و سیصد و هفتاد و شش یعنی زمانی که آقای خاتمی با بیانات و افکار تازه‌ای به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری وارد میدان مبارزه شدند تصور نبود که اهداف بیان‌شده از سوی ایشان می‌تواند گام نخستین در راه نجات و رسیدن به مردم‌سالاری را بردارد و از ورطه هولناکی که در آن فرو رفته است، بیرون آید. اما با کمال تاسف تجربه پنج سال اخیر نشان داد که آقای خاتمی قادر نبوده با همه افکار متفاوتی که مطمئنا در سر دارد، آن قدم‌های اصلی را در راه نجات اصلاحات و رسیدن به آزادی ملت اران بردارد. گناه از ایشان نیست بلکه گناه از نظامی است که ایشان در آن نظام قرار گرفته‌اند. تاکید می‌نمایم که نظرات و گفته‌های من و شما مردم بزرگ ایران در راستای مخالفت با دین اسلام نیست بلکه بالعکس در راه ایجاد مصونیت برای آن است.

ما هزینه‌های سنگین و خسارات جبران ناپذیری را تحمل کرده‌ایم و بهای تمامی این مصائب را نیز پرداخته‌ایم. هدف ما کنار گذاشتن دین نیست بلکه جلوگیری از توهین بیشتر به اسلام، مقدسات و اعتقادات دینی‌مان است که همگی پایبند به آن‌ها هستیم.

من به اشاره تاریخ متوسل می‌شوم و شما را خاتمی، به مجلس و به مسئولین حکومت تفهیم نمائید که اصلاح قانون اساسی مشکل ما را حل نمی‌کند. ما در باره قانون اساسی صحبت نمی‌کنیم و آنچه که برای ما مهم است و با صدای بلند به مردم ایران و جهان می‌گوییم نوع حکومتی است که بر ما حاکم است. ما می‌خواهیم به طور مسالمت‌آمیز و یا نظارت سازمان ملل و کلیه نهادهای حقوق بشر از مردم ایران سئوال شود که آیا علاقمند به تداوم رژیم مذهبی هستند و یا مایل به برپایی رژیم مردم‌سالار می‌باشند؟

در بخش دیگر نامه امیر انتظام آمده است:

من پیرو مصدق و گاندی بوده و معتقد به همزیستی صلح‌جویانه و حل مسالمت‌آمیز مسائل سیاسی و اجتماعی ایران علیرغم بینش‌های گوناگون در آن هستم. من می‌خواهم همه ملت ایران اعم از زن و مرد برای رسیدن به دموکراسی، برابری و برای ایجاد محیطی مملو از امنیت و آزادی دست به دست هم دهند و برای ساختن ایرانی آزاد تلاش کرده و یاری رسانند. من از هم‌وطنان تقاضا می‌کنم و قویا می‌خواهم که هرگز تسلیم زور نشوند. ضمن این که هرگز نمی‌خواهم ملت ایران با شما وارد جنگ شوند و من با همه وجودم از این مقابله جلوگیری خواهم کرد. ولی از شما هم می‌خواهم تسلیم حقیقت شوید و به رای مردم ایران احترام بگذارید. به آن‌ها اجازه دهید که سرنوشت خویش را خود تعیین کنند.

ما امروز در آغاز قرن بیست و یکم و در جهانی زندگی می‌کنیم که با پیشرفت‌های بسیار عظیم در زمینه‌های تکنولوژی، علمی و دانش روبرو هستیم، ملت و کشور ما از دوران حکومت بیست و چهار ساله گذشته کافیست عقب‌افتاده‌ترین کشورهای دنیا در آمده است. درآمد سرانه ملت ما در سال پنجاه و هفت بالغ بر هزار و ششصد و بیست و پنج دلار بود ولی در دوران شما و در سال هفتاد و پنج تا میزان صد و پنجاه دلار تقلیل یافت و بعدها که به میزان اضافه‌شدن قیمت نفت درآمد سرانه کشور به نزدیک هزار دلار رسید شما منت آن را بر سر ملت گذاردید. این شما بودید که مردم ایران را وادار به دادن یک میلیون و دویست هزار نفر شهید و قربانی و معلول نمودید و اجازه دادید مملکت به ویرانی کشیده شود. در حالی که خود شما اکثرا در کمال رفاه، آسایش و امنیت زندگی می‌کردید.

او در نامه خود خطاب به حکومت‌گران می‌گوید: من از شما باز هم می‌خواهم که به انجام رفراندم برای انتخاب نوع حکومت در ایران تن بدهید و از هم‌وطنانم می‌خواهم که هرگز فریب پیشنهاد همه‌پرسی جهت اصلاح قانون اساسی و یا افزایش اختیارات رئیس جمهوری را نخورند زیرا این اختیارات نخواهد توانست راه سعادت ملت ایران را هموار نماید. ما تنها در زمانی می‌توانیم موفق شویم و در دنیای امروز ایران‌نویتی را بنیان بگذاریم که سرنوشت توسط خود ملت ایران تعیین گردد. ما پس از انجام رفراندم با نظارت سازمان ملل متحد بدون شک تقاضای یک حکومت موقت را خواهیم کرد که آن حکومت آزادی‌های فردی و اجتماع، آزادی ایجاد احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها را برای بیان آزادانه عقید و هم‌چنین رعایت حقوق تمام اقوام، تمام افرادی که با زبان‌های مختلف تکلم می‌کنند و تمام‌افرادی که دارای ادیان مختلف و اعتقادات متفاوت هستند و خلاصه تمامی شهروندان را تضمین خواهد نمود. در آن دوران سازمان‌ها، احزاب، گروه‌ها و افراد خواهند توانست برنامه‌های نوسازی ایران را به اطلاع مردم برسانند و در انتخابات بعد که با نظارت سازمان ملل متحد انجام خواهد شد ملت ایران به گروه‌ها، احزاب و یا اشخاصی که مورد اطمینان آن‌ها هستند رای خواهند داد و خودشان در تعیین سرنوشت خویش دخالت خواهند کرد.